

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ جنوری ۲۰۲۱

در ماوراء قفقاز چه می‌گذرد؟

(۳)

۲- جمهوری ارمنستان

جمهوری ارمنستان نیز بعد از فروپاشی شوروی پرچم استقلال خویش را برافراشت و با حمایت از اعلام «استقلال» منطقه خودمختار قره‌باغ در داخل خاک آذربایجان، که در ۲۰ فبروری ۱۹۸۸ صورت پذیرفت، خواست از آب گل‌آلود ماهی گرفته و بخشی از خاک آذربایجان را اشغال کند و به رؤیای «ارمنستان بزرگ» از بحیره خزر تا بحیره سیاه تحقق بخشد. این اقدام تحریک‌آمیز دو قطب متعفن ناسیونال شونیسم ترک و ارمنی در منطقه را خلاف مصالح خلق‌های منطقه میدان داد و به جان هم انداخت و متأسفانه کابوس «مساواتیست»‌ها و «داشناک»‌ها، کابوس جنرال انگلیس «دنسترویل»، (Dunsterville) و اردوی اسلام «انورپاشا»، وزیر جنگ عثمانی، مجدداً زنده شد. ضعف نظامی آذربایجان و حمایت ضمنی روس‌ها از ارمنستان در راستای سیاست استعماری خودشان، شکست آذربایجان را به دنبال داشت و آتش‌بسی، که با ارمنستان شد، بخش بزرگی از خاک آذربایجان را در اختیار ملی‌گرایان ارمنستان قرار داد که کوچک‌ترین اقدامی برای حل مرضی‌الطرفین قره‌باغ ننمود و با ادامه سیاست‌های ناسیونال - شونیستی و «داشناکی» ارمنی بر بحران قره‌باغ تا به امروز دامن زده است. روسیه و «گروه مینسک» متشکل از روسیه، فرانسه و امریکا نیز به همین رویه عمل کردند، زیرا قدرتمندان اقتصادی و سیاسی ارمنی، که در امریکا و فرانسه نفوذ فراوانی دارند، حفظ وضعیت فعلی را به نفع ارمنستان ارزیابی می‌کردند.

جمهوری ارمنستان در آغاز پیدایش خود مناسبات خوبی با جمهوری اسلامی ایران، که مناسبات شکرآبی با آذربایجان داشت، برقرار کرد، زیرا آنها تنها از طریق گرجستان و به ویژه ایران به بحیره آزاد مربوط بودند و بسیاری کالاهای مورد نیازشان را از طریق ایران دریافت می‌داشتند. ولی این نزدیکی با ایران باب طبع امپریالیسم امریکا و صهیونیسم اسرائیل نبود.

دول امپریالیستی از جمله امریکا و فرانسه در رقابت با روسیه و در دشمنی با نفوذ ایران در ارمنستان به یک خطای ستراتیژیک دچار آمدند و تلاش کردند با دخالت در امور داخلی ارمنستان و به چنگ‌آوردن این خوراکی، که محصول فروپاشی شوروی امپریالیستی بود، جای پای محکمی در منطقه قفقاز و در جبهه جنوبی روسیه و شمالی ایران برای خویش باز کنند. آنها با این روش در جمهوری آذربایجان جای پای محکمی برقرار کردند به طوری که صهیونیست‌های اسرائیلی در این کشور پایگاه نظامی و جاسوسی مستقر داشتند که در ترور دانشمندان اتمی ایران در گذشته نقش کثیفی بازی کردند. ولی آنچه در مورد آذربایجان با موفقیت روبه رو شد، در مورد ارمنستان با مشکل روبه رو گردید. تمام

این محاسبات امپریالیست‌ها، چون ذهنی‌گرانه و شتابزده انجام شده بود، با شکست روبه رو شد و وضعیتی را ایجاد کرد که با تغییر وضع موجود آن زمان به وضعیت فعلی منجر شد که هم ارمنستان از دست رفت و هم نفوذ روسیه امپریالیستی در قفقاز افزایش یافت.

در سال ۱۹۹۱ فدراسیون متحد شوروی امپریالیستی با دست رویزونیست‌های حاکم و بورژوازی نوحاسته شوروی درهم پاشید و اعلام جدائی و استقلال جمهوری‌های متحد شروع شد و دولت‌های ملی خلق‌های گوناگون درون این اتحادیه پدید آمدند. حال این دولت‌ها هم ارتش خود، وزارت جنگ خود و هم سازمان امنیت و جاسوسی‌های مستقل خود را داشتند و بورژوازی حاکم بر این ممالک نقاب «سوسیالیستی» را سرانجام از چهره انداخت و روپوش ناسیونال - شونیسم را به تن کرد و برای تحقق خواست‌های «ملی» خود شمشیر را از رو بست.

در سال‌های اخیر در ارمنستان با انجام انقلاب مخملین با رهبری سرمایه‌دار کلان امریکائی «جورج سوروس» (George Soros)، که یک امریکائی یهودی است، حکومت دست‌راستی «نیکول وُوایی پاشینیان» (Nikol Vovayi Pashinyan)، که هوادار امریکاست بر سر کار آمد. زمینه روی‌کار آمدن این ناسیونالیست ارمنی - امریکائی را مانند همه انقلابات مخملی «نهادهای غیردولتی»، هواداران «جامعه باز» و «خانه آزادی» و یا «دموکراسی» امریکا تدارک دیده و با پنهان کردن خویش در پس «دفاع از حقوق بشر» یک حکومت ضدبشر امریکائی را بر سر کار آوردند.

این حکومت جدید فوراً به اتخاذ یک سیاست ضدروسی و ضدایرانی متوسل شد و در عین این که دولتمردان هوادار روسیه را از کار برکنار کرد و محدودیت‌هایی برای زبان روسی در جامعه و مدارس برقرار نمود و کانال‌های سمعی - بصری روسیه را حذف کرد و خبرنگاران رسانه‌های روسی را تحت فشار قرار داد، به منزله یک حکومت «مستقل» روابطش را با امریکا و اسرائیل مانند آذربایجان گسترش داد و بهبود بخشید. ولی ارمنستان به این سادگی نمی‌توانست از شبکه تار عنکبوتی روسیه امپریالیستی خلاص شود، زیرا هنوز نتوانسته به علت بندهای عمیق وابستگی به روسیه و تهدیدات مستمر جمهوری آذربایجان و ترکیه خود را از نفوذ روسیه بی‌نیاز کند. ارمنستان هنوز عضو «پیمان امنیت جمعی» با مشارکت کشورهای منطقه از جمله فدراسیون روسیه است، ولی ارمنستان با فشار امریکا و اسرائیل روز به روز بیشتر به پایگاه آنها در جنوب روسیه بدل شده و تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران را عملاً تهدید می‌کرد. روسیه که در ارمنستان پایگاه داشت و همواره از این خطر پان‌ترکیسم که سایه شومش را بر سر ارمنستان افکنده بود، در جهت منافع خویش سوءاستفاده می‌کرد و می‌کند، وضعیت کنونی را به نفع خود ارزیابی کرد و نه تنها ارمنستان را مهار نمود و مجدداً و اینبار متکی بر رضایت ارمنه زیر سلطه و کنترل خود در آورد، بلکه جای پای مهمی نیز در نتیجه پیمان صلحی، که مضمونش هنوز کاملاً روشن نیست، در آذربایجان گشود. به همین جهت در آستانه این توافق مقامات روسیه با حسابگری اعلام کردند که «پیمان امنیت جمعی» با ارمنستان، اشغال سرزمین آذربایجان را در نظر ندارد، بلکه فقط مربوط به منطقه قره‌باغ ارمنی‌نشین می‌شود. به این ترتیب به آذربایجان چراغ سبز دادند تا مناطقی را که ناسیونال - شونیست‌های ارمنی در نوار قره‌باغ و سرزمین اصلی ارمنستان اشغال کرده بودند و متعلق به سرزمین آذربایجان بود، آزاد نمایند. از این تاریخ بازگشت بخش اشغالی سرزمین آذربایجان به دامن مادر از نظر روس‌ها بلامانع بود.

این مانور روسیه هم به ارمنستان تفهیم می‌کرد که پای خود را از گلیمی که روسیه برای آنها تعیین نموده است، بیرون نگذارد و به آذربایجان نیز نشان می‌داد که مرزهای جغرافیائی منطقه قفقاز فقط با موافقت و مشارکت دولت روسیه قابل

تغییر است و خوب است که جمهوری آذربایجان حد و حدود غرب‌گرایی خویش را بداند و در منطقه، در خدمت منافع غرب به آزمایش سقف صبر و حوصله دولت روسیه نپردازد که به نفعش تمام نمی‌شود و نخواهد شد.

اما در ارمنستان قبل از جنگ و در سایه نزدیکی به آمریکا، جاسوس‌خانه بزرگ آمریکا افتتاح شده است. ارمنستان میزبان یکی از بزرگترین سفارتخانه‌های آمریکا با تعداد کارکنانی نزدیک به یک لشکر در منطقه است. این سفارتخانه ما را به یاد سفارتخانه آمریکا در عراق در منطقه سبز می‌اندازد که تا حدود ۱۵ هزار کارمند دارد که همه آنها دارای مصونیت قضائی هستند و عراق را به کشوری نیمه مستعمره خود بدل کرده اند. در کنار این جاسوس‌خانه حدود ۲۰۰ نهاد غیردولتی نیز وجود دارند که با حمایت بنیاد امریکائی «سوروس» در این کشور فعال‌اند. این حجم فعالیت آمریکا در ارمنستان کوچکی که حدود ۲۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و کمتر از ۳ میلیون جمعیت ساکن و اقتصاد بسیار ضعیف و فقیر دارد، تنها یک توجیه دارد و آنها خرابکاری در مرز شمالی ایران، تحریک و ایجاد تشنج در منطقه جنوب قفقاز است که هم روسیه را مورد تهدید قرار می‌داد و هم ایران را.

روشن است که آمریکا در این محل نیازی به روابط نامتعارف با سایر همسایگان ایران ندارد. آمریکا هم در ترکیه و گرجستان و هم در آذربایجان سفارتخانه‌های خود را داراست به این جهت دارا بودن چنین مرکز جاسوسی دیپلماتیک برای جاسوسی در ارمنستان علیه ترکیه، گرجستان و یا آذربایجان نیست، فقط علیه ایران و نفوذ ایران در شمال قفقاز است که با مردم این ناحیه پیوندهای دوستی و تاریخی دارد. از این گذشته سال‌هاست که پای صهیونیست‌های اسرائیلی نیز به آذربایجان باز شده و مدت‌هاست که فعال بوده و در این کشور مستقل پایگاه بزرگ نظامی دارند و مانند کفترها پهباد هوا می‌کنند. رژیم صهیونیستی نه تنها به ارمنستان سلاح می‌فروشد، بلکه دولت ایروان را تحت فشار گذارده است تا سفارت جدیدی را در اورشلیم افتتاح کند. البته تا قبل از درگیری‌های اخیر در قفقاز تمایل دولت ایروان برای گام‌گذاردن در این راه و اجرای اوامر صهیونیسم به کلی مشهود بود. بسط روابط دوستانه دولت انقلاب مخملی ایروان با رژیم صهیونیستی، به مفهوم تأسیس یک پایگاه نفوذی دیگر در کنار آمریکا در ارمنستان به ضد ایران است. رژیم صهیونیستی، که در هر دو کشور و به ویژه در آذربایجان نفوذ فراوانی دارد، به یکی از بزرگترین آتش‌پاران جنگ، که به نفعش هست، در منطقه شمال ایران بدل شده است.

دولت ارمنستان قبل از آتش‌بس، درست شش روز بعد از درگیری‌های اخیرش، که به نبردهای مسلحانه مرگبار با جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ علیا منجر گشت، در اعتراض به معاملات فروش تسلیحات اسرائیل به آذربایجان، شامگاه پنجشنبه، دهم مهر، سفیر خود را از تل‌آبییب، که محل کنونی سفارت این کشور در اسرائیل است، فرا خواند. ارمنستان تنها دو هفته پیش سفارت خود را در اسرائیل برقرار و «آرمن سمباتیان» (Armen Sembatian) را به عنوان سفیر به تل‌آبییب اعزام کرده بود. اسرائیل ولی تمایل دارد که سفارت ارمنستان در اورشلیم گشایش یابد و نه در تل‌آبییب. در اینجا به خوبی نقش اسرائیل، که هم از توبره می‌خورد و هم از آخور، روشن می‌گردد. آنها هم با نشان دادن «لولوی ایران» به آذربایجان و تشویق به تجزیه‌طلبی در ایران و حمایت همه‌جانبه از تجزیه‌طلبان ایرانی به تقویت دولت آذربایجان مشغول‌اند و به آنها اسلحه می‌فروشند و هم از ارمنستان تا سفارتش را از تل‌آبییب به اورشلیم ببرد. به دیگر سخن تنها با این شرط به آنها اسلحه می‌فروشد تا بتواند در مقابل آذربایجان از خودش دفاع کند. اسرائیل همان تاجر ونیزی است، اسرائیل به خوبی از توان نظامی آذربایجان و ارمنستان مطلع است و آنها را در خدمت منافع خودش و به ضد ایران علیه یک دیگر تحریک می‌کند. جنک ترک و ارمنی به نفع صهیونیسم بین‌الملل است، زیرا از این طریق نان می‌خورد و نفوذ خویش را توسعه می‌دهد و به تخریب در منطقه مشغول است.

نفی و کمبهدادن به نفوذ صهیونیسم در قفقاز تنها برای کتمان روحیه‌های حاکم ناسیونال - شونیستی در این ممالک است.

ارمنستان نیز، که فریب این ریاکاری صهیونیست‌ها را خورده بود، از سوی «[آرمن سارگسیان](#)»، رئیس‌جمهور ارمنستان در روز دوشنبه ۱۴ مهر [میزان] با «رئوون ریولین» «Reuven Rivlin»، رئیس‌جمهور اسرائیل، دربارهٔ وضعیت در قره‌باغ و شرایط کشورش تماس تلفونی گرفت و مذاکره کرد و تصور می‌نمود اسرائیل هوای ارمنستان را دارد و مانع می‌شود که به لقمهٔ چرب آذربایجان بدل شود.

به گزارش سایت خبری اسرائیلی «وای.نت»، رئیس رژیم اسرائیل به رئیس‌جمهور ارمنستان دل‌داری داد و با وی «خوش و پش» کرد و گفت که روابط اسرائیل و آذربایجان «سال‌های طولانی ادامه داشته و همکاری آن‌ها علیه کشور ثالثی نیست» و نباید دولت ارمنستان از این بابت ناراحت گردد!؟

این ساده‌لوحی و یا خوش‌خیالی رئیس‌جمهور ارمنستان است که به سخنان یک گرگ ظاهراً اعتماد می‌کند و دوستی با اسرائیل و صهیونیسم را به دوستی با مردم ایران ترجیح می‌دهد، و حالا چوب این سیاست تشنج‌زا در منطقه را می‌خورد.

رژیم صهیونیستی به جز اقدامات تخریبی علیه منافع کشور ما ایران، از توسعهٔ روابط با ارمنستان چیزی به دست نمی‌آورد، زیرا ارمنستان نه منابع مالی لازم برای خرید سلاح از اسرائیل را دارد، نه دارای منابع مواد اولیه و سخت است و نه منابع اقتصادی آن در کانون توجه اسرائیل خواهد بود. پس این نزدیکی و دل‌داری‌های رژیم صهیونیستی به ارمنستان تنها در خدمت مبارزه با ایران است. آنها از زمان شاه به ضد مردم ایران عمل می‌کردند و تا به امروز هم می‌کنند.

جالب این است که شواهدی در دست هستند که نشان می‌دهند در مقابل گسیل تروریست‌های داعشی از طریق ترکیه به آذربایجان، ارمنستان به همکاری با کردهای «پ.ک.کا» دست‌زده و آنها را در قره‌باغ برای مبارزه با حضور ترکیه بسیج کرده است. البته وضعیت طوری است که هر دو طرف می‌توانند از کمک برادرانهٔ کردهای ترکیه به کردهای ارمنستان و یا ترکمن‌ها و تروریست‌های داعشی تُرک آسیای میانه و قفقاز به ترک‌های آنری سخن بگویند.

در تاریخ ۲۶ خرداد [جوزا] ۱۳۹۹ «[سرویس کیهان](#) - اخبار» تحت عنوان «فریب اقتصادی تل ابیب و باخت امنیتی ایروان (نگاه)» نوشت: «در سال ۲۰۱۷ مقاله‌ای با عنوان رویکرد جدید اسرائیل در قفقاز جنوبی توسط یکی از مراکز مطالعات استراتژیک رژیم صهیونیستی منتشر شد که در این مقاله سفر تصاحی هانگی [زاخی هانگی عضو حزب دست‌راستی افراطی و بنیادگرای لیکهود، وزیر مسؤل امور آبادی‌نشین‌های یهودی Tzachi Hangeb - توفان]] وزیر وقت همکاری‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی به ارمنستان را گام مهمی در تغییر روابط دوجانبه معرفی کرد.

هانگی یک نخبهٔ امنیتی محسوب می‌شود که در زمینه‌های مختلف مخصوصاً در حوزهٔ فعالیت‌های هسته‌ای تجربیات بسیاری دارد، اما حضور او در ارمنستان و امضای ۳ توافقنامهٔ مهم مستلزم پیش‌زمینه‌هایی بود که با افتتاح اتاق بازرگانی اسرائیل - ارمنستان رقم خورده بود، یعنی متمایل‌شدن دولتمردان ارمنستان به سمت اسرائیل و تصور صهیونیست‌ها به عنوان مُنجی از زمان تشکیل اتاق بازرگانی کلید خورده بود و سفر هانگی این پروژه را تکمیل نمود. اتاق بازرگانی اسرائیل - ارمنستان یک اقدام تبلیغاتی بود که به وسیلهٔ آن چشمان برخی دولتمردان ایروان به برخی از حقایق بسته شود و لابی یهود بتواند در ساختارهای مختلف ارمنستان نفوذ نماید و شرایطی فراهم گردد که اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی در این کشور پیاده شود.

این اتاق بازرگانی عملکرد بسیار ضعیفی دارد و زمانی که مناسبت‌های اقتصادی و بازرگانی را به‌عهده گرفت مراودات تجاری بین ایروان و تل‌آویب ابتداء سیر نزولی پیدا کرد و امروزه پس از گذشت نزدیک به ۵ سال فعالیت هنوز در جدول منحنی در نقطه سال ۲۰۱۴ قرار گرفته است و اموری که توسط انجمن دوستی پارلمانی اسرائیل - ارمنستان پیگیری می‌شد به نسبت اتاق بازرگانی نتایج مطلوب‌تری داشت.

اگر خروج ارمنستان از بحران‌های اقتصادی در اولویت رژیم صهیونیستی بود بایستی آلیهو یروشلمی [aliho jerusalem] به اصطلاح سفیر اسرائیل در ارمنستان را در منصب خود حفظ می‌نمودند زیرا او تنها صهیونیستی بود که در جهت اجرای توافقات اقتصادی امضاء شده دغدغه‌مند بود و همچنین در این جهت تلاش می‌نمود اما اکنون الیاو بلوتسکوسکی [Eli Belozerkowski] در این جایگاه تنها به صحبت‌های دیپلماتیک و عبارت‌های زیبا می‌پردازد، سه سال از قول و قرارها و تفاهم‌نامه‌های رژیم صهیونیستی می‌گذرد و خلاصه رژیم صهیونیستی آن بخش از وعده‌های اقتصادی، نظامی و انتقال تکنولوژی خود به ارمنستان را جامه عمل می‌پوشاند که در تحقق منافع و اهداف خودش مؤثر باشند به‌عنوان مثال: شرکت‌های اسرائیلی اگر بخواهند در ارمنستان فعالیت نمایند شرکت‌هایی خواهند بود که با روسیه در حال تجارت هستند زیرا ارمنستان جزو توافقتنامه تجارت آزاد یورآسیا محسوب می‌شود و این برای رژیم صهیونیستی سودمند خواهد بود و همچنین توسعه مراکز صنعتی و انتقال تکنولوژی بیشتر در منطقه قره‌باغ اتفاق خواهد افتاد زیرا تل‌آویب نگاه امنیتی و ستراتیژیک به جمهوری خودخوانده قره‌باغ دارد و از حیاط خلوت آن به ضد انقلاب اسلامی ایران استفاده خواهد کرد و در عین حال چشم طمع به معادن و منابع طبیعی آن دارد.

حضور و فعالیت رژیم صهیونیستی در منطقه قره‌باغ ناامن شدن قفقاز جنوبی را در پی خواهد داشت زیرا شیعیان و اسلام‌گرایان منطقه قفقاز غالباً آذری زبان می‌باشند و نسبت به مسأله قره‌باغ متعصب هستند و از طرفی دیگر رژیم صهیونیستی را غاصب سرزمین فلسطین و دشمن درجه یک جهان اسلام می‌دانند و تلفیق این دو می‌تواند برای رژیم اشغالگر قدس گران تمام شود و هزینه‌های احتمالی آن دامن‌گیر ارمنستان خواهد شد.

از جانب دیگر جمهوری اسلامی نه‌تنها به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای بلکه در قالب یک قدرت بین‌المللی نمی‌تواند نسبت به افزایش مناسبات رژیم صهیونیستی در منطقه بی‌تفاوت باشد.

دولتمردان ارمنستان اعلام نموده‌اند که افزایش مناسبات با اسرائیل هیچ‌گونه مشکلی در روابط با ایران پیش نمی‌آورد

«...»

صرف نظر از نوع نگارش و حمایت مقاله از جمهوری اسلامی در این تحلیل این واقعیت نشان داده می‌شود که اسرائیل سعی دارد همانگونه که در آذربایجان رخنخواب پهن کرده و پایگاه نظامی درست کرده و انتقال نفت بحیره خزر را برای خود تأمین نموده است، از «استقلال» ارمنستان نیز برای مصالح صهیونیسم جهانی و به ضد خلق‌های منطقه سوء استفاده کند. این است که باید در مناقشات منطقه نقش مهم اسرائیل را از نظر نینداخت، نقشی که در تشدید تضادها و تشدید جنگ بسیار مؤثر بوده است و پای وی را در منطقه محکم کرده است.